

# تعاون در حاشیه اقتصاد

در حالی که ظرفیت اشتغالزایی تعاونی‌ها تا ۱۵ درصد برآورد می‌شود سهم واقعی آنها فقط ۹ درصد است

با وجود تصریح قانون اساسی بر نقش محوری تعاون در اقتصاد ایران، این بخش همچنان با سهمی اندک و اثربخشی محدود در حاشیه اقتصاد ملی باقی مانده است. ایران با ثبت بیش از ۱۰۴ هزار تعاونی، بالاترین تعداد تعاونی‌ها را در جهان داراست، اما سهم واقعی این ساختار در اقتصاد کشور تنها بین ۴ تا ۷ درصد برآورد می‌شود؛ فاصله‌ای معنادار از هدف گذاری ۲۵ درصدی. کاهش تدریجی اثرگذاری تعاون، به‌ویژه از دهه ۱۳۸۰ به این‌سو، چالش‌هایی جدی درباره ظرفیت این بخش برای ایجاد اشتغال، تقویت عدالت اجتماعی و ایفای نقش در تولید و سرمایه‌گذاری مطرح کرده است. تعاونی‌هایی که زمانی در تأمین کالاهای اساسی نقش محوری داشتند، اکنون در عبور به مأموریت‌های تولیدی با ضعف‌های نهادی، ساختار دولتی اقتصاد و بی‌توجهی سیاست‌گذاران روبه‌رو شده‌اند. این گزارش، با اتکا به داده‌های رسمی و تحلیل‌های کارشناسان، به‌ریشه‌یابی افول نقش تعاون و امکان احیای جایگاه آن در اقتصاد ایران می‌پردازد.

#### پیشینه تاریخی تعاونی‌ها

در دهه ۱۳۶۰، بخش تعاون ایران، ستون اصلی ثبات اقتصادی بود و عمدتاً وظیفه توزیع کالاهای کوبنی و مدیریت خدمات ضروری را در دوره کمبود بر عهده داشت. این تعاونی‌ها که اغلب از حمایت دولت نیز برخوردار بودند، در تخصیص عادلانه کالاهای یارانه‌ای موفق عمل کردند و به‌عنوان الگویی موفق شناخته شدند. اما با تحول اقتصاد ایران و ظهور نیازهای جدید در حوزه تولید، نوآوری و تنوع، بخش تعاون نتوانست خود را هماهنگ کند. گذار از مدل توزیع‌محور به مدلی با تأکید بر تولید و سرمایه‌گذاری، ضعف‌های سیستمی از جمله کمبود بودجه و نبود چشم‌انداز استراتژیک را آشکار کرد.

در قانون اساسی آمده است که تعاونی‌ها می‌بایست در کنار بخش دولتی و خصوصی ۲۵ درصد از اقتصاد کشور را تشکیل دهند. با این حال، برآوردها نشان می‌دهد که سهم واقعی این بخش از ۱۲ درصد در اوایل دهه ۱۳۸۰ به حدود ۷ درصد در حال حاضر کاهش یافته است. این افت، با وجود برتری عددی جهانی ایران در تعداد تعاونی‌ها، تناقضی را نشان می‌دهد: ایران بیشترین تعداد تعاونی‌ها را دارد، اما خروجی آن نسبت به ظرفیت آن بسیار ناچیز است. کارشناسان این وضعیت را به سرمایه‌گذاری ناکافی، اقتصاد دولتی و ناتوانی در هماهنگی فعالیت‌های تعاونی با نیازهای اقتصادی مدرن نسبت می‌دهند.

#### توزیع فعالیت‌های تعاونی

بخش تعاون در طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها؛ از کشاورزی تا مسکن، حضور دارد، اما تأثیر آن نابرابر است. بر اساس گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۲۵ درصد تعاونی‌های فعال در بخش خدمات، ۲۱٫۴ درصد در کشاورزی، ۱۶٫۲ درصد در صنعت و ۱۳٫۷ درصد در مسکن فعالیت دارند و ۲۱ درصد باقی‌مانده در حوزه‌هایی مانند کالاهای مصرفی و اعتباری پراکنده‌اند. نکته قابل توجه این است که ۵۴ درصد تعاونی‌ها در فعالیت‌های تولیدی مشغولند که نشان‌دهنده تغییر از تمرکز توزیعی گذشته است. بخش اشتغال در تعاونی‌ها نیز توزیع مشابهی را نشان می‌دهد. از کل نیروی کار شاغل در تعاونی‌ها، ۷۵٫۸ درصد در مسکن، ۱۶٫۳ درصد در خدمات، و ۱۵٫۷ درصد در تأمین کالاهای مصرفی فعالیت دارند و مابقی در سایر حوزه‌ها مشغولند. این توزیع، ماهیت پراکنده بخش تعاون را نشان می‌دهد که در آن، هیچ صنعتی به‌طور کامل بر خروجی‌ها تسلط ندارد. این تنوع، اگرچه در تئوری یک مزیت است، اغلب به دلیل کمبود مقیاس و منابع، به ناکارآمدی منجر می‌شود.

#### تأثیر بر اشتغال

تعاونی‌ها حدود ۲ میلیون نفر را به کار گرفته‌اند که ۹ درصد از کل نیروی کار ایران را تشکیل می‌دهد. میانگین اشتغال در هر تعاونی ۲۰٫۳ نفر است؛ تعاونی‌های اعتباری در صدر با ۸۶ نفر، سپس تعاونی‌های تولیدی با ۸۲ نفر، توزیعی با ۵۳ نفر و مسکن نیز با ۳۸ نفر. این ارقام نشان‌دهنده نقش قابل توجه تعاونی‌ها در ایجاد شغل است، اما کارشناسان معتقدند با حمایت مناسب، این بخش می‌تواند تا ۱۵ درصد از اشتغال ملی را نیز پوشش دهد. اصغر آهنی‌ها، نماینده کارفرمایان در شورای عالی کار، معتقد است که تعاونی‌ها در صورت ادغام در چارچوبی توسعه‌محور می‌توانند رشد اقتصادی گسترده‌تری را هدایت کنند. او به آتی‌هنو گفت: «هم‌افزایی بین بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی ضروری است. بدون هماهنگی نهادهایی مانند وزارت کار، تأمین اجتماعی و انرژی، ایجاد شغل محدود خواهد ماند.»

برای حدود ۱۶ میلیون کارگر ایرانی که همراه با خانواده‌هایشان نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند، نقش تعاونی‌ها در تأمین نیازهای پایه، حیاتی است. تعاونی‌های کارگری، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند مسکن و کالاهای مصرفی، طی دهه‌های گذشته توانسته‌اند بخشی از شکاف میان درآمدهای محدود و هزینه‌های فزاینده زندگی را پوشش دهند. این نهادها با ارائه خدمات ارزان‌تر، دسترسی کارگران به کالاهای و امکانات ضروری را تسهیل کرده‌اند. با این حال، محدودیت منابع مالی، مقیاس فعالیت محدود و ضعف در پیوند با ساختارهای بزرگ‌تر اقتصادی، مانع از آن شده که تعاونی‌ها به راه‌حلی مؤثر برای چالش‌های عمیق اجتماعی و اقتصادی تبدیل شوند.

#### موانع ساختاری ادامه‌دار

مشکلات بخش تعاون، ریشه در ناکامی‌های سیاستی و ساختاری دارد. اصل ۴۴ قانون اساسی نظام اقتصادی سه‌گانه‌ای را تعریف می‌کند؛ دولتی، تعاونی و خصوصی. اما تسلط نهاد دولت، رشد تعاونی‌ها را خفه کرده است. تلاش‌های خصوصی‌سازی تحت اصل ۴۴ به‌دستی اجرا نشده و این بخش را به حاشیه رانده است. کارشناسان، رشد اقتصادی پایین، بهره‌وری ناکافی و عدم باور به پتانسیل تعاونی‌ها را از موانع اصلی می‌دانند.

حمید حاج اسماعیلی، کارشناس بازار کار، بر لزوم کاهش نقش دولت برای توانمندسازی تعاونی‌ها تأکید دارد. او به آتی‌هنو گفت: «حضور بیش از حد دولت در اقتصاد، بخش‌های خصوصی و تعاونی را کنار می‌زند.» او ساده‌سازی صدور مجوزهای کسب‌وکار و حذف موانع بوروکراتیک را برای تقویت رقابت‌پذیری تعاونی‌ها ضروری می‌داند. علاوه بر این، تعاونی‌ها مکانیزمی منحصر‌به‌فرد برای تجمع سرمایه‌های خرد ارائه می‌دهند که می‌تواند نقدینگی را به سمت سرمایه‌گذاری‌های مولد هدایت کند؛ نیازی حیاتی در اقتصادی که با تورم و فرار سرمایه مواجه است.

ادغام وزارت تعاون در وزارت کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۰، جایگاه و منابع این بخش را بیش ازپیش تضعیف کرد. ناکامی‌های سیاستی، از جمله عدم اجرای کامل اصل ۴۴، تعاونی‌ها را با کمبود بودجه و قطع ارتباط با استراتژی‌های اقتصادی ملی مواجه کرده است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس نیز نشان می‌دهد که ایران با وجود پیشتازی در تعداد تعاونی‌ها، از نظر خروجی اقتصادی—بین ۸ تا ۸ درصد تولید ناخالص ملی—عملکرد پاییینی دارد که نشان‌دهنده ناکارآمدی‌ها و فقدان جهت‌گیری اجتماعی در بسیاری از تعاونی‌هاست.

#### تعاونی‌ها و رفاه کارگران

برای طبقه کارگر ایران، تعاونی‌ها خط حیاتی برای دسترسی به مسکن، کالاهای مصرفی و اعتبار با نرخ‌های یارانه‌ای بوده‌اند. ماده ۱۵۴ قانون کار، کارفرمایان را ملزم به تسهیل ایجاد تعاونی‌های کارگری و تأمین منابعی مانند محل و تجهیزات



می‌کند. این تعاونی‌ها، به‌ویژه در حوزه مصرف، نقش حیاتی در حمایت از کارگرانی دارند که با توقف دستمزدها در برابر فشارهای تورمی مواجهند. حسین حبیبی، عضو هیأت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار، بر اهمیت تعاونی‌های مصرف تأکید دارد. او به آتی‌هنو گفت: «در شرایط اقتصادی دشوار، این تعاونی‌ها کالاهای ضروری را با قیمت‌های مقرون‌به‌صرفه ارائه می‌دهند و فشار را بر کارگران کاهش می‌دهند.» عرضه کالاهای بادوام به‌صورت اقساطی، قدرت خرید کارگران را افزایش می‌دهد؛ که یکی از توانایی‌های بالقوه تعاونی‌های مصرف است. با این حال، تأثیر این نهادها به دلیل مقیاس کوچک و کمبود منابع، محدود باقی مانده است.

#### مقایسه جهانی، چالش‌های محلی

در اقتصادهای توسعه‌یافته، تعاونی‌ها در بخش‌هایی مانند کشاورزی، بیمه و فناوری شکوفا هستند و اغلب از چارچوب‌های سیاستی قوی حمایت می‌شوند. در مقابل، بخش تعاون ایران، با وجود تعداد بالای خود، فاقد کیفیت و یکپارچگی لازم برای رقابت جهانی است. گزارش «آسیب‌شناسی بخش تعاون» مرکز پژوهش‌های مجلس این شکاف را برجسته می‌کند و اشاره دارد که بسیاری از تعاونی‌ها، اهداف اجتماعی را دنبال نمی‌کنند و بر اهداف تجاری محدود متمرکزند. این گزارش پیشنهاد می‌دهد که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از طریق نمایشگاه‌های تجاری، شبکه‌سازی تعاونی‌ها با بازیگران صنعت و بازارهای بین‌المللی را تقویت کند. همچنین از مجلس خواسته شده تاوزارتخانه‌های نفت، صنعت و اقتصاد را ملزم به شناسایی فرصت‌های سرمایه‌گذاری مناسب برای تعاونی‌ها کند؛ به‌ویژه در پروژه‌هایی با منافع عمومی یا محلی که برای بخش خصوصی جذاب نیستند.

#### راهکار احیا چیست؟

احیای بخش تعاون ایران نیازمند رویکردی چندجانبه است. اول، اصلاحات سیاستی باید تسلط دولت را کاهش دهد و با چشم‌انداز اصل ۴۴ برای اقتصادی متوازن نیز هماهنگ شود. ساده‌سازی مقررات و بهبود دسترسی به اعتبار می‌تواند تعاونی‌ها را برای گسترش عملیات و رقابت مؤثر توانمند کند. دوم، سرمایه‌گذاری در آموزش و زیرساخت برای مدرن‌سازی این بخش و هماهنگی آن با نیازهای اقتصادی معاصر حیاتی است. در نهایت، تقویت همکاری بین تعاونی‌ها، بنگاه‌های خصوصی و نهاد‌های دولتی می‌تواند هم‌افزایی ایجاد کند و به ایجاد شغل و رشد اقتصادی منجر شود.

ظرفیت بخش تعاون برای تجمع سرمایه‌های خرد و بهبود رفاه کارگران، آن را به ابزاری حیاتی برای مقابله با چالش‌های اقتصادی ایران تبدیل می‌کند. با بهره‌گیری از توانایی منحصر‌به‌فرد این بخش در ترکیب اهداف اقتصادی و اجتماعی، تعاونی‌ها می‌توانند از بازگیری حاشیه‌ای به ستونی در اقتصاد ایران تبدیل شوند.

انسجام اجتماعی کمک کنند. در این بین، سازمان بین‌المللی کار همچنین خواستار حمایت از سیاست‌های تشویقی و توسعه ظرفیت‌های دانشی و فنی تعاونی‌های زنان در کشورهای مختلف شده است. ریشه تعاونی‌های زنان را باید در سنت‌های همپاری روستایی جست‌وجو کرد؛ زمانی که برای تولید محصولات کشاورزی با صنایع دستی در قالب گروه‌های کوچک همکاری می‌کردند. با این حال، فعالیت‌های سازمان‌یافته و رسمی تعاونی‌های زنان در ایران سابقه‌ای طولانی دارد. اگرچه اولین تعاونی رسمی زنان با ساختار کثونی در سال ۱۳۷۲ ثبت شد، اما پیشینه مفهومی آن به دوره مشروطه و حتی پیش‌تر بازمی‌گردد. طی سه دهه اخیر، افزایش آگاهی اجتماعی و تمایل به کسب استقلال اقتصادی باعث شد زنان به‌ویژه در مناطق روستایی، گرایش بیشتری به تشکیل و عضویت در تعاونی‌ها پیدا کنند. توسعه تعاونی‌های زنان در گرو تحولی نهادی و سیاستی است. از یک‌سو، نیاز به بازنگری در نظام تأمین مالی تعاونی‌ها و ارائه تسهیلات کمک‌بهره و هدفمند وجود دارد و از سوی دیگر، توان افزایش مدیریتی، آموزشی و دیجیتال‌سازی فرایندها، می‌تواند کارایی این نهادها را افزایش دهد. ترکیب این سیاست‌ها با حمایت از بازارهای فروش داخلی و خارجی، موجب گسترش دامنه فعالیت تعاونی‌ها خواهد شد. تعاونی‌های زنان اگر با نگاهی فراتر از صرف اشتغال‌زایی و در قالب نهادهای اجتماعی-اقتصادی دیده شوند، می‌توانند به یکی از ستون‌های اصلی توسعه پایدار و عدالت اجتماعی در کشور تبدیل شوند.

## کارگری



A T I V E N O

یادداشت

O P I N I O N

### مسکن؛ گره معیشت کارگران

هزینه‌های مسکن، در حال حاضر بزرگ‌ترین مانع بر سر راه تأمین معیشت پایدار برای خانواده‌های کارگری است. گزارش‌ها و داده‌های رسمی نشان می‌دهند که بین ۴۰ تا ۶۰ درصد از درآمد ماهانه کارگران، به اجاره مسکن اختصاص پیدا می‌کند؛ عددی که به‌ویژه در کلان‌شهرها به شدت افزایش می‌یابد و عملاً خانه‌دار شدن را به رؤیایی دور دست برای این طبقه بدل کرده است. در این شرایط، نه‌تنها اصل ۳۱ قانون اساسی درباره «حق هر خانواده ایرانی برای داشتن مسکن» در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته، بلکه حتی حق مسکن اندکی که در فیش حقوقی کارگران درج می‌شود، تناسبی با واقعیت بازار ندارد. مطابق آمار، امروز با حق مسکن ۹۰۰ هزار تومانی، حتی پرداخت اجاره یک واحد کوچک نیز دشوار است. این در حالی است که همین رقم طی شش سال، از ۱۰۰ هزار به ۹۰۰ هزار تومان رسیده و دیگر افزایش نیافته است.

طبق اصل ۳۱ قانون اساسی، دولت؛ به‌ویژه برای ابقشار کم‌درآمد و کارگر، موظف است زمینه دستیابی به مسکن مناسب را فراهم کند. اما فاصله میان آنچه قانون وعده داده و آنچه در عمل رخ داده، در حال تبدیل شدن به بحرانی ساختاری است. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد سهم مسکن از سبد هزینه خانوار ایرانی تا پیش از دهه ۹۰ شمسی، معمولاً زیر ۳۰ درصد بود، اما طی سال‌های اخیر، این رقم در تهران به ۵۰ درصد و در بین خانوارهای کارگری به مرز ۶۰ درصد رسیده است. در چنین شرایطی، انتظار می‌رود دولت نقش مداخله‌گری خود را نه در سطح شعار، بلکه با ارائه طرح‌های هدفمند، تأمین زمین، تسهیلات حمایتی و مسکن اجتماعی ایفا کند. در عین حال، نمی‌توان از نقش کارفرمایان و نهادهای تأمین اجتماعی در تسهیل یا مانع‌تراشی در مسیر تأمین مسکن نیز غافل شد.

کارگران، نه‌فقط به‌عنوان نیروی محرکه تولید، بلکه به‌عنوان شهروندان این کشور، باید از حداقل حقوق زیستی برخوردار باشند. نمی‌توان انتظار بهره‌وری، رضایت شغلی یا رشد اقتصادی داشت، در حالی که نیمی از درآمد یک خانواده صرف اجاره‌بها می‌شود. در چنین شرایطی آینده‌ای برای مالکیت خانه در افق قابل تصور نیست. شکاف میان دستمزد و هزینه مسکن، روز به روز عمیق‌تر می‌شود و حق مسکن به عددی بی‌اثر در فیش حقوقی بدل شده است. این چالش، فقط مسئله‌ای مربوط به اقتصاد خانوار نیست، بلکه به‌طور مستقیم به سیاست عمومی، کارایی قانون اساسی و عدالت اجتماعی مربوط می‌شود. برای عبور از این وضعیت، تنها راه‌حل افزایش دستمزد یا بالا بردن حق مسکن نیست بلکه باید به اصل موضوع یعنی ساختار ناعادلانه بازار مسکن، نبود نظام اجاره‌داری حرفه‌ای، فقدان سیاست‌های مسکن اجتماعی و بی‌توجهی به ظرفیت تعاونی‌های کارگری برای ساخت مسکن پرداخت. دولت اگر به وظیفه خود در قانون اساسی وفادار است، باید با همکاری سه‌جانبه با کارفرمایان و نمایندگان کارگران، نقشه‌ای واقعی و اجرایی برای خانه‌دار کردن کارگران ارائه دهد. مسکن، نه‌فقط سرپناه؛ که پایه‌ای برای امنیت روانی و بهره‌وری اقتصادی به شمار می‌رود. اگر این موضوع حل نشود، هیچ برنامه‌ای برای بهبود معیشت، افزایش تولید یا کاهش فقر نیز موفق نخواهد شد.